

پاسخ بہ
شہدہ و
پرستش

حسین سوزنچے

www.ketab.ir

مرکز پژوهش‌های روان | گروه سنت‌های حوزوی و آداب طلبگی

پایس به شیشه پرسش: حسین سوزنجی

ناشر: کانون اندیشه جوان

ویراستار: سید محمد رضا

طراح و گرافیکست: مهرداد منصوری

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه



کانون اندیشه جوان

شناسه: سوزنجی؛ حسین، ۱۳۵۳، عنوان و نام پدیدآور: پاسخ به شبهه و پرسش/ حسین سوزنجی؛ مشخصات اثر: تهران: کانون اندیشه جوان. مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. فروست: مهارت‌های طلبگی؛ ۵. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۹-۱۹۹-۰ وضعیت فهرست نویسی: قیای مختصر. یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است. یادداشت: کتابنامه. شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۰۶۲۲۹

تهران، تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲، ۸۸۵۰۳۳۲۱

فهرست |

اشاره	۷
مقدمه	۹
نمای کلی به روش عالمان اسلامی در برخورد با شبهات	۱۱
تفاوت سؤال شبهه	۱۵
فصل اول برای پاسخ به شبهه چگونه آماده شویم؟	۱۹
الف) تمهیدات پیش از پاسخ گویی	۲۱
۱. به لحاظ مخاطب	۲۱
۱.۱. مشکلات معرفتی	۲۲
۱.۲. مشکلات غیر معرفتی	۲۳
۱.۳. شبهات معرفتی و غیر معرفتی تفاوت ظاهری ندارند	۲۶
۲. به لحاظ متکلم	۲۸
۲.۱. باطن خود را آراسته سازیم	۳۰
۲.۲. توان علمی خود را افزایش دهیم	۳۱
۲.۳. ایمان خود را تقویت کنیم	۳۳
۲.۴. آزاداندیش باشیم	۳۴
۲.۵. آراستگی ظاهری را فراموش نکنیم	۴۲
۲.۶. بر خدا توکل کنیم	۴۴
۳. وضعیت اجتماعی طرح شبهه و سؤال را جدی بگیریم	۴۵
۳.۱. به خاستگاه فردی و اجتماعی شبهه توجه کنیم	۴۶
۳.۲. مروّجان شبهه را بشناسیم	۴۷
۳.۳. متوجه نحوه القای سؤال و شبهه باشیم	۴۹

۵۳	۳.۴. عرصه‌های اثرگذار شبهه را رصد کنیم
۵۴	۳.۵. از اقداماتی که تاکنون انجام شده مطلع شویم
۵۹	فصل دوم: هنگام پاسخ به سؤالات و شبهات چه‌اموری را رعایت کنیم؟
۶۱	الف) موقعیت بیان مطلب را بسنجیم
۶۲	ب) برای بحث یک سیر منطقی ترسیم کنیم
۶۶	ج) به سخن گفتن مخاطب احترام بگذاریم
۶۷	د) زمین صحبت آرامش، تواضع و حلم داشته باشیم
۶۹	هـ) با تکیه بر نقاط قوت مخاطب برای رفع ضعف‌ها بکوشیم
۷۱	و) پاسخ عقل را به اقناع عاطفی گره بزنیم
۷۳	ز) پاسخ مثیل به دهیم
۷۵	ح) از پاسخی که بی‌نی نیز استفاده کنیم
۷۷	ط) به شبهات بی‌رمق و اذعالی این‌گونه پاسخ دهیم
۷۸	ی) به شبهات غیر معرفتی با جواب این چنین پاسخ دهیم
۸۳	سخن آخر
۸۵	کتابنامه

— | اشاره | —

مرکز پژوهش‌های جوان با هدف تعمیق بنیة دینی، نخبه‌پروری، ارائه نظام‌واره فکری و، برقی الهی‌های رفتاری به نسل نو، فعالیت می‌کند و مفتخر است با ارائه این اثر و آثار همسایه به هم در نوآوری، گره‌گشایی و پاسخگویی به اقتضائات و نیازهای فکری، فرهنگی و اجتماعی مخاطب جوان، در قلمرو اندیشه اسلامی و نظام جامع دین داشته باشد.

این مرکز زیرمجموعه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است و در کنار چهار پژوهشکده دیگر پژوهشگاه فعالیت دارد. تلاش‌های مؤثر مرکز در قالب گروه‌های علمی «بینش و اندیشه»، «مطالعات فرهنگی و اجتماعی»، «نظام‌ها و مطالعات انقلاب اسلامی»، «اخلاق، تربیت و روان‌شناسی»، «مذاهب و حوزوی و آداب طلبگی»، «ادب و هنر» و «دفتر ادبیات دینی» انجام می‌گیرد.

مرکز پژوهش‌های جوان در راستای خواست و علاقه مناسب مخاطبان طلبه جوان، مجموعه «مهارت‌های طلبگی» را فراهم آورده است. این مجموعه تلاش می‌کند در ساحت‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، علمی، اخلاقی، تبلیغی، مهارت‌هایی را متناسب با اقتضائات رفتاری و معرفتی طلاب جوان ارائه کند تا بتواند در نقش آفرینی مؤثر و مفید یاری نماید.

«پاسخ به شبهه و پرسش» دفتری از فصل تبلیغی این مجموعه است. نویسنده معتقد است که یک مبلغ قبل از ورود در عرصه تبلیغ لازم است که آمادگی‌های لازم

برای پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات را تا حد امکان کسب کرده، به هنگام مواجهه با این امر، پاسخ مناسب و جامع و مؤثری ارائه کند.

این مرکز با قدردانی از نویسنده این کتاب، حجت الاسلام والمسلمین حسین رنجی، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم و صاحب آثاری چون خدا: پرسش‌ها - پاسخ‌های دینی و زندگی پس از مرگ؛ پرسش‌ها و پاسخ‌های دینی، ضمن شکر ائمه‌المرای علمی گروه، تلاش مجدانه مدیرگروه سنت‌های حوزوی و آداب طبیب، حجت الاسلام و آیت الله محمدحسین پورامینی و همکاری ارزیابان گرامی، حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حمیدی و علی اصغر سهرابی را ارج نهاده، صمیمانه در انتظار نقدها و پیسندها، دانشجویان تیزبینمان نشسته‌ایم.

مرکز پژوهش‌های جوان

----- | مقدمه | -----

دین اسلام به کسانی برای همه ابعاد زندگی انسان است و کسی که در جایگاه تبلیغ این دین قرار می‌گیرد، باید خود را برای تبیین و دفاع از این برنامه در جهات گوناگون آماده کند. حضور این در عرصه‌های گوناگون زندگی، سؤالات و شبهات فراوانی را در ذهن افراد ایجاد می‌کند و مردم چون طلبه و روحانی را نماینده رسمی نهاد دین در جامعه قلمداد می‌کنند، به‌تنها برای دریافت پاسخ احکام شرعی خود، بلکه برای رسیدن به پاسخ سؤالات فقهی و اشکالات و شبهات دینی خویش نیز به او مراجعه می‌کنند.

اگر توجه داشته باشیم که گاه پاسخ‌های ما در تقویت یا تضعیف دین‌داری و دین‌باوری مخاطبانمان چه اندازه مؤثر است و چه‌بسا یک پاسخ ناصواب، زمینه را برای دور شدن آنان از قرآن و عترت فراهم می‌سازد و آن را در قیامت دچار مؤاخذه‌های شدید می‌کند، احساس مسئولیت بیشتری در این زمینه خواهیم داشت. گاه برخی با اینکه پاسخ درست سؤالی را نمی‌دانند، سعی می‌کنند با بیان پیچیده و توجیهات ناروا، مخاطب را قانع کنند؛ غافل از اینکه وقتی می‌اندازیم دیگری پاسخ درست پرسش خود را یافت، چه‌بسا تلقی ناصوابی را به ذهنش ایجاد شده، به‌عنوان دیدگاه اسلام در آن مسئله قلمداد کند و همین موجب دور شدن وی از اسلام گردد. قطعاً کسی که در این انحراف نقش داشته، بار مسئولیت آن را در قیامت نیز بر دوش خواهد کشید. شهید مطهری در کتاب ارزشمند *علل*

گرایش به مادیگری که به تحلیل چرایی دین‌گزینی در يك جامعه دینی می‌پردازد، یکی از علل این مسئله را «اظهار نظر غیرمتخصصان» می‌داند که منظور وی، نه اظهار نظر عوام، بلکه اظهار نظر افرادی است که لباس عالمان دینی بر تن کرده، اما تخصص لازم را در پاسخ دادن به سؤالاتی که از آنها می‌شود، ندارند؛ لذا مثلاً خدایی را برای مخاطب بر می‌زنند که آمیخته با اعتقادات خرافی است و وقتی فرد از خرافات بودن آن اعتقادات آگاه می‌شود، خدایی را هم که در درون این خرافات به وی معرفی شده مورد تردید قرار می‌دهد. انحرافات ناشی از این مسئله به اندازه‌ای است که هم امام صادق علیه السلام به سند متصل از پدرانش، از امام علی علیه السلام و هم امام رضا علیه السلام در روایتی مستقل^۱ بر این مسئله تأکید کرده‌اند که وقتی کسی مطلبی را نمی‌داند، از اعتراف به جهل خود خجالت نکشد. «وَلَا يَسْتَحْي أَحَدُكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ»^۲ اگر یکی از شما چیزی را نمی‌داند، از گفتن نمی‌دانم خجالت نکشد؛ و تصریح کرده‌اند که پزشک یک عالم می‌تواند عوالمی را ویران کند: «زَلَّةُ الْعَالِمِ تُفْسِدُ الْعَوَالِمَ»^۳ نفس يك عالمی را فاسد می‌کند.^۴ لذا ما پیش از ورود به عرضه تبیین و مواجهه با سؤالات و شبهات، باید با احکام و وظایف عقلی و شرعی خود به عنوان مبلغ آشنا شویم و آمادگی‌های لازم برای مواجهه درست با سؤالات و شبهات را تا حد امکان کسب کنیم تا مبادا ضرر ما برای دین و خود بیش از نفعی باشد که قرار است به جامعه برسانیم.

۱. حمیری؛ قرب الأسناد؛ ص ۷۲.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۱۱۴.

۳. همان؛ ص ۱۱۵.

۴. آمدی؛ غرر الحکم؛ ص ۴۷.

نیم‌نگاهی به روش عالمان اسلامی در برخورد با شبهات

جامعیت اسلام و ورود آن به اغلب عرصه‌های حیات فکری انسان‌ها، موجب شده از همان ابتدا عالمان دین با سؤالات و شبهاتی مواجه شوند. در این فضا، تدریجاً علم کلام پدید آمد و عالمانی که وظیفه خود را دفاع از دین و آموزه‌های دینی می‌دیدند، «متکلم» نامیده شدند. البته این اتفاقی که از همان صدر اسلام پدید آمد، موجب پیدایش مذهب و مسیوه‌های فکری متفاوتی بین مسلمانان شد و طبیعی است که هر مذهب و هر گروهی از اعتقادات خود دفاع کند. این‌گونه بود که صف‌آرایی بین متکلمان پدید آمد و متکلمان مذاهب مختلف، نه فقط به پاسخ شبهات غیرمسلمانان، بلکه به یافتن پاسخ اشکالاتی که از جانب پیروان سایر مذاهب اسلامی به آنها وارد می‌شد نیز روی آوردند. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز علاوه بر پاسخ‌گویی مستقیم به شبهات مخالفان، شاگردانی در این عرصه تربیت کردند که نام برخی از آنها همچون «هشام بن حکم» بسیار مشهور است. البته تدریج در طول تاریخ، عده‌ای از متکلمان به تألیف کتاب پرداختند و کوشیدند با

۱. ائمه (علیهم‌السلام) اهتمام ویژه‌ای به تربیت چنین شاگردانی داشتند؛ تا اندازه‌ای که گاه برخی از مخالفین اهل بیت برای بحث و مناظره خدمت امامان می‌رسیدند و ایشان در بعضی از اصحاب را فرامی‌خواندند و آنها را به مناظره با مخالفان دعوت می‌کردند و سپس موارد ضعف و قوت آنها را بازگو می‌کردند. مثلاً آن‌گاه که یکی از اهل شام برای مناظره با امام صادق (علیه‌السلام) می‌آید، امام از حمران بن اعین، أحول، هشام بن سالم، قیس بن ماصر و هشام بن حکم می‌خواهد که یکی یکی با وی مناظره کنند. در پایان مناظره‌ها فرد شامی به حقانیت امام اعتراف می‌کند، و آن‌گاه امام نقاط ضعف و قوت تک تک اصحاب را در مناظره‌ای که انجام داده بودند بیان کرده، هشام بن حکم را (که سنش از همه کمتر، اما توانایی‌اش در بحث از همه بیشتر بود) مورد تشویق ویژه قرار می‌دهند.

ر.ک: کلینی: اصول کافی؛ ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۳.

استدلال‌های متین و محکم، اعتقادات مذهب خود را تثبیت کنند. برخی از این آثار چنان قوی و مستدل نوشته می‌شد که مبنای بسیاری از گفت‌وگوها قرار می‌گرفت؛ چنان‌که مثلاً خواجه نصیرالدین طوسی، کتابی با عنوان *تجريد الاعتقاد* نوشت و بسیاری از علمای بزرگ شیعه و سنی بر آن شرح نوشتند و تعداد شرح و نقدهایی که از جانب موافق و مخالف بر این کتاب نوشته شده، از عدد صد فزونی یافته است.

مسلمانان شیعه در طول تاریخ، آثار محکم و متقنی را پدید آوردند؛ تحولات حاد مدرن و مواجهه مسلمانان با این وضع جدید، شبهات تازه‌ای را مآد جامعه دینی کرد که آثار گذشتگان، پاسخ‌گوی آن نبود و به تلاش برای دیدی نیاز داشت. از کسانی که به بهترین شکل وارد این عرصه شدند، می‌توان استاد شهید مرتضی مطهری نام برد که تقریباً عمده حیات علمی خود را صرف دفاع از دین و پاسخ‌گویی به شبهات جدید کرد و آثار قلمی بیانی مهمی پدید آورد که هنوز تا اندازه زیادی توان مواجهه با مسائل جاری را دارد. ایشان که از بسیاری از هم‌لباسان خویش به سبب کم‌کاری بر این عرصه گلایه‌مند بود،^۱

۱. در یادداشتی که ایشان در پاسخ به یکی از طلبه‌های معاصرین به کتاب مسئله حجاب نوشته‌اند، دردمندانه بیان می‌کنند: «خدا لعنت کند کسی را که بخواهد نظام اروپا در ایران عملی شود و خدا لعنت کند مفتتری را. از چیزهایی که من هرگز نزد خداوند متعال از آنها نخواهم گذشت این افتراهاست، والله خیر الحاکمین! بحسب الله، آیا با این همه نقدها و تصریحات، آن هم نقدهای عالمانه و منطقی و مستدل از نظام‌های فرنگی و از آن جمله نظام مختلط و عربیان فرنگی، باز هم این طور تهمت می‌زنید؟! ای کاش يك نفر از کسانی که کارشان استهلاك سهم امام است و بس، يك‌دهم این انتقادهای را می‌کردند و به فحش قناعت نمی‌کردند و وظیفه مرا سبک می‌کردند. به هر حال این است پاداش کسی که فردی و اجتماعی به مردم ما خدمت کند». پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۷۲.

تمام همت خود را بر این کار گذاشت^۱ و معتقد بود که باید از «کلام جدید» سخن گفت؛ یعنی علم کلامی که نه تکرار بحث‌های گذشتگان، بلکه پاسخ‌گوی شبهات امروز باشد. حق این است که، اگرچه هنوز جای کار فراوان وجود دارد، تاکنون در بسیاری از عرصه‌ها، آثار ارزنده‌ای در حل شبهات و سؤالات زمانه عرضه شده است.^۲

۱. ایشان در مقدمه یکی از آثار خود در سال ۱۳۵۲ چنین نوشته است: «این بنده از حدود بیست سال پیش به قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم این را می‌بینم، قرارداده‌ام، حل مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل دینی در این عصر مطرح است. نوشته‌های این بنده، برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با اینکه موضوعات این نوشته‌ها کسب یا یک‌دگر مغایب است، هدف کلی از همه اینها یک چیز بوده و بس. دین مقدس اسلام یک دین اشنامه است. حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم، واژگونه شده است و علت اساسی آن گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود. این دین تنها در حل حائز ریش از هر چیز دیگر از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند و صدمه می‌بینند. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئی‌اش از یک طرف، و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر، از طرف دیگر، سبب شده که اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف، از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گیرد. بدین سبب این بنده وظیفه خود دیده است که در حدود توانایی در این میان از انجام وظیفه نماید». عدل الهی، ص ۱۴.

۲. هم‌اکنون مراکز و سایت‌های متعددی برای پاسخ‌گویی به شبهات راه انداخته‌اند. از جمله است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم» (<http://www.andisheqom.com>)؛ «مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی» (<http://pasokhgoo.org>)؛ «پرسمان دانشجویی» (وابسته به اداره مشاوره نهاد مقام معظم رهبری) (<http://www.porsemani.ir/index>)؛ (<http://www.porseman.org>)، (html) اشاره کرد. در این راستا کتاب‌های بسیاری نیز نگاشته شده که شاید به عنوان یک مجموعه موضوعی، کتاب‌هایی که دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با عنوان پرسش و پاسخ‌های دانشجویی تاکنون در ۴۸ جلد منتشر کرده، معروف‌ترین نمونه این کار است. نگارنده نیز قبلاً بر اساس گردآوری مهم‌ترین سؤالات و شبهات دانش‌آموزان، مجموعه شش جلدی‌ای با عنوان: پرسش‌ها و پاسخ‌های دینی توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی (انتشارات

با این حال، به نظر می‌رسد علاوه بر اینها، تدارک برنامه‌ای برای مبلغانی که قصد پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دارند نیز لازم است. در اغلب کتاب‌هایی که در این عرصه نوشته می‌شود، پاسخ شبهه یا سؤال را ارائه می‌دهند، اما آیا آگاهی از پاسخ، برای پاسخ‌گویی کفایت می‌کند؟ اگر توجه داشته باشیم که اولاً فرآیند قانع شدن، یک فرآیند سلسله‌منطقی نیست، ثانیاً آموزه‌های اسلامی، صرفاً مطالبی ذهنی نیست، بلکه مطالبی است که باید با جان و دل مخاطب آمیخته گردد، سومین مورد که دانستن پاسخ مستدل، اگرچه شرط لازم برای گام نهادن در این عرصه است، شرط کافی نیست.

بر این اساس هر ف‌نوشتار حاضر، پرداختن به برخی از نکاتی است که در فرآیند مواجهه با سؤالات و شبهات می‌تواند مفید واقع شود. این نکات عمدتاً تحت استقرایی داشته و مواردی است که نگارنده، در مطالعه آثاری که در زمینه دفع شبهه نگاشته شده یا در جلسات پرسش و پاسخی که با ایشان (عمدتاً دانش‌آموز و دانشجو) داشته، با آنها مواجه گردیده است. البته نوشته‌ایم با تکیه بر آیات و روایات، دلایل و شواهدی بر صحت این نکات ارائه کنیم.

در یک تقسیم‌بندی کلان، این نکات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول نکاتی است که پیش از مواجهه با سؤال شبهه، باید مدنظر داشته باشیم تا هنگام مواجهه، هم آمادگی لازم را داشته باشیم و غافلگیر نشویم، و هم تأثیر لازم را بر مخاطب خویش بگذاریم. دسته

دوم اموری است که در حین پاسخ‌گویی باید رعایت کنیم. اما پیش از ورود به این نکات، تذکری در باب تفاوت سؤال و شبهه ضرورت دارد؛ تذکری که می‌تواند در فهم راهکارها مؤثر باشد.

تفاوت سؤال و شبهه

در عرف عام غالباً بین سؤال و شبهه تفاوتی نمی‌گذارند، و گاه سؤال را شبهه، یا شبهه را سؤال قلمداد می‌کنند؛ اما در اصطلاح خاص، تفاوت دقیقی بین این دو وجود دارد که آگاهی از این تفاوت، در مکانیسم پاسخ‌دهی می‌تواند مؤثر باشد:

«سؤال» در جایی است که مسئله مجهول و مطلب نامعلومی برای شخصی وجود دارد و وی برای فهمیدن حقیقت، در مورد آن مطلب پرسش می‌کند؛ اما «شبهه» بیش از آنکه یک پرسش باشد، پاسخ غلطی به یک سؤال مفروض و سعی است. در مورد هر مطلبی، حقیقت واحدی در کار است و فقط یک دیدگاه صحیح وجود دارد؛ اما می‌توان با کم‌وزیاد کردن حقیقت مربوطه، هر دلیلی را غلط یا درباره همان مسئله مطرح کرد که بی‌شبهت با آن سخن گفتنی باشد. به تعبیر دیگر، در هر عرصه‌ای حق یک چیز است، اما در همان عرصه، هزاران مطلب باطل می‌توان مطرح کرد که از جهتی شبیه به آن حق باشد و به علت شباهتش با حق، افراد آن را حق قلمداد کنند؛ که اینها،

۱. به عنوان یک مثال ساده برای اینکه شباهت حق و باطل (که زمینه‌ساز سوء استفاده باطل از حق است) بهتر معلوم شود، می‌توان به این نمونه اشاره کرد: تنها چیزی که صلاحیت پرستش دارد، خداوند متعال است که همه صفات کمال در او جمع است، اما عده‌ای به پرستش پول روی می‌آورند، عده‌ای به پرستش قدرت، و عده‌ای به پرستش شهوت؛ هر کدام از این افراد دنبال کمال بوده‌اند، اما آن کمال حقیقی را با این اموری که شبهه کمالند اشتباه گرفته‌اند. یعنی پول و قدرت و شهوت به خودی

شبهه نام دارند.^۱

شبهه گاهی به صورت جمله خبری بیان می شود که تشخیص شبهه بودن آن نسبتاً واضح است؛ مثلاً: «چون شر و بدی در جهان هست، پس خدایی که خیر محض و عادل مطلق باشد وجود ندارد».^۲ اما در بسیاری از موارد، شبهه در قالب یک جمله سؤالی مطرح می شود؛ مثلاً: «چرا اسلام یک دین مردسالار است؟». این جمله، قبل از آنکه یک سؤال درباره واقعیت باشد، تقریر یک شبهه است؛ یعنی برای ینک طرح این سؤال موجه باشد، یک جمله خبری کاذب (یعنی یک شبهه) را مضمون گرفته که: «اسلام یک دین مردسالار است»؛ سپس سؤال کرده که: «چرا چنین است؟»؛ درحالی که اول باید سؤال می شد: «آیا اسلام یک دین مردسالار است یا نه؟»^۳ و در صورت مثبت بودن پاسخ این سؤال پرسش از چرایی آن موجه است. به تعبیر دیگر، هرگونه پاسخی به سؤال «چرا اسلام یک دین مردسالار است؟»، هرچند به انگیزه دفاع از اسلام باشد، مثلاً چنین پاسخ داده شود که به این دلیل اسلام، مردسالار است که احادیثی مردان برتر از زنان

خود چیز بدی نیستند، و در هر کدام کمال و مطلوبیت برای انسان هست، اما اشتباه آنجا پیدا می شود که این کمال و مطلوبیت جزئی، خود را با عنوان کمال مطلق و معبود نهایی معرفی کند.

۱. حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمایند: «سمی الشبهه شبهه لانه لا حق له؛ شبهه را بدین جهت شبهه نامیده اند که شبهه به حق است». نهج البلاغه؛ خطبه ۳۸.

۲. برای پاسخ این شبهه؛ ر.ک: مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۱۲۱-۱۷۲.

۳. برای تبیین این مطلب که «در اسلام به لحاظ انسان بودن، ارزش زن و مرد برابر است و تفاوت های زن و مرد، از باب تناسب و مکمل بودن زن و مرد نسبت به همدیگر است، نه از باب نقص یکی و کمال دیگری» ر.ک: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام؛ ص ۲۰۰؛ عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال؛ ص ۷۱-۱۰۲.

هستند) مستلزم پذیرفتن اصل شبهه (مردسالار بودن اسلام) است و پاسخ‌دهنده در هر صورت بازنده خواهد بود.

برای جواب دادن به شبهاتی که در قالب سؤال مطرح می‌شوند، نباید مستقیماً به خود سؤال پاسخ دهیم؛ بلکه باید ابتدا آن شبهه منطقی یا آشکار سازیم و همان را مورد تردید و انکار قرار دهیم، تا با نفی آن شبهه مخفی اصل مسئله منتفی شود. در این باره در ادامه توضیح بیشتر خواهد آمد. در هر حال قبل از هر سؤالی، ابتدا باید با تحلیل دقیق، شبهه‌ها را به اصل مسئله برگردانیم و پیش‌فرض‌های مطلب را شفاف سازیم تا سوال به یک گویی ساده شود. در این حالت خواهیم دید در بسیاری از موارد با بررسی پیش‌فرض‌ها، شبهه خودبه‌خود مرتفع می‌شود.

لازم به ذکر است که این تفکیک سؤال، شبهه فقط برای آگاهی ما از مکانیسم‌های پاسخ‌گویی مطرح می‌شود تا بدانیم چگونه به حل مسئله مخاطب خویش پردازیم؛ رگانه در برابر مخاطب، حتی‌الامکان نباید تعبیر «شبهه» را مطرح کرد؛ چرا که این تعبیر دارای بار معنایی منفی است و در درون خود نوعی اتهام بی‌دینی را به همراه دارد. به تعبیر دیگر، اگر به مخاطب خود بگوییم: «آنچه مطرح کردی شبهه است، نه سؤال»، با این تعبیر ما، احساس می‌کند که در فضای بی‌دینی واقع شده و این امری است که نباید به هیچ‌عنوان مخاطب را به سمت آن سوق داد. علاوه بر این، در بسیاری از موارد او گمان خواهد کرد که ما فرد متعصبی هستیم و به جای برخورد منطقی با سؤال وی، قصد متهم کردن و برخورد تعصبی با او را داریم؛ لذا دیگر به

سخنان ما با بغض و کینه نگاه خواهد کرد و آمادگی ای برای پذیرش سخن ما - هرچقدر هم که مستدل و منطقی باشد - نخواهد داشت.^۱

۱. برخی عامل تمایز شبهه از سؤال را قصد و انگیزه سؤال کنند می دانند. بدین معنا که شبهه در جایی است که پرسش گر قصد تخریب و مخالف ساختن دارد، اما سؤال برای کسب آگاهی بیشتر است. در اینجا به دو جهت، این را به عنوان عامل تفکیک این دو مطرح نکردیم. اولاً اگرچه ممکن است چنین انگیزه‌ای در هنگام طرح شبهه وجود داشته باشد، اما قصد و انگیزه گاه بسیار مخفی است که حتی خود شخص هم لزوماً متوجه انگیزه واقعی خود نیست. ثانیاً چون انگیزه يك مسئله کاملاً درونی، و کمتر قابل شناسایی برای دیگران است، مطرح کردن این عامل، نه تنها کمکی به مبلغ نمی‌کند، بلکه طرح آن، ممکن است وی را ناخواسته به سمت اتهام‌زنی سوق دهد، که چنان‌که در متن اشاره شد، ثمره‌ای کاملاً خلاف اهداف اصلی وی خواهد داشت.